

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره سی و چهارم، پاییز ۱۳۹۳: ۸۹-۱۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۵/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۲۰

بررسی ویژگی‌های منتسب به زنان در ضرب‌المثل‌های فارسی

پروین امین‌الرعایا*

شهلا شریفی**

محمود الیاسی***

چکیده

هدف از نگارش این مقاله، آشنایی با دیدگاه‌های متفاوت نسبت به زنان و حقوق آنان از دیدگاه جنسیتی و توصیف فرهنگ اصیل و رایج ایرانی درباره زنان با تکیه بر بخشی از ادبیات شفاهی یعنی ضرب‌المثل‌هاست. پیکره مورد بررسی در این پژوهش، شامل ۳۸۲ ضرب‌المثل است که از کتب و فرهنگ ضرب‌المثل‌های معتبر زبان فارسی جمع‌آوری شده است. با توجه به ماهیت موضوع، برای تحلیل این پیکره از تحلیل محتوای کیفی استفاده شده و با بررسی، جداسازی و تفکیک ضرب‌المثل‌هایی که به نوعی در ارتباط با زنان بوده، به بررسی سه حوزه محوری و کلی درباره زنان پرداخته شده است. نخست، بررسی ویژگی‌های فیزیکی و روان‌شناختی زنان، در مرحله دوم بررسی مقوله‌های اخلاقی و عاطفی، در نهایت روابط خانوادگی و اجتماعی آنهاست. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ساختار تمثیل‌های یادشده، جایگاه واقعی زن را آنچنان که باید نشان نمی‌دهد و عمدتاً بر برجسته‌کردن جنبه‌های منفی شخصیت زن تأکید دارد. همچنین در بررسی ضرب‌المثل‌ها می‌توان آشکارا جایگاه متغیر زنان را مشاهده کرد، زیرا او گاه با زبانی محترمانه و فاضلانه توصیف می‌شود و در اوج است و گاه با داوری‌های بی‌رحمانه و مغرضانه تا حد ابلیس نزول می‌یابد. بنابراین در این تحقیق سعی

* نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد رشته آرفا (آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان) مشهد،

Pvn.amino@gmail.com

دانشگاه امام رضا(ع)

shahlasharifi@hotmail.com

** دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

mah_elyasi@yahoo.co.uk

*** استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

شده جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های فارسی نشان داده شود و معلوم شود نگاه به زن در این ضرب‌المثل‌ها چگونه است و با شرایط کنونی جامعه و وضعیت فعلی زنان ما در این فرهنگ چه تفاوتی دارد؛ با توجه به اینکه امروزه دیدگاه جامعه نسبت به وی مثبت‌تر شده و شرایط لازم برای ارتقای جایگاه آنان به وجود آمده است.

واژه‌های کلیدی: زن، ضرب‌المثل‌های فارسی، جنسیت و فرهنگ، زبان‌شناسی اجتماعی.

مقدمه

امثال و حکم یا ضرب‌المثل‌های هر ملتی از دل فرهنگ آن ملت بیرون آمده است؛ فرهنگ هم مجموعه عقاید، آداب و رسوم و هنجارهای رفتاری یک ملت است که با مطالعه آن می‌توان به طرز زندگی اجتماعی، فردی و احساسات و تفکرات آن ملت پی برد. وینستون برمبک درباره اهمیت فرهنگ می‌گوید: «فراگرفتن زبان یک مردم بدون یادگرفتن فرهنگ آن مردم حماقت است» (Brembeck, 1977: 14).

به اعتقاد بهمنیار، «مثل، یک شعبه مهم از ادبیات هر زبان و نماینده ذوق فطری، قریحه ادبی، افکار، عادات، اخلاق و احساسات اهل زبان است» (بهمنیار، ۱۳۶۹: مقدمه ز). مثل‌ها از این حیث بازتابی از زندگی مردم هستند که از یکسو تمامی زندگی به شکلی زنده و پرجاذبه در مثل‌ها دیده می‌شود و از سوی دیگر، تمامی قوانین و قواعد اجتماعی و دینی به شکلی ساده از زبان مثل‌ها روایت می‌شود، تا قابل فهم برای همگان گردد (ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۳۲).

اما آنچه در این تحقیق به آن پرداخته شده است، زنان هستند که به علت ویژگی‌های فردی و نقش‌های خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی، همواره در کانون توجه بوده‌اند و به عنوان یک موضوع مهم، در بسیاری از ضرب‌المثل‌ها مطرح شده‌اند. کشور ما در طول تاریخ در مورد نقش زنان، حضور و فعالیت آنان در اجتماع، همواره شاهد افراط و تفریط‌های فراوان بوده است. کرشن معتقد است که: «چون ضرب‌المثل به شکلی طنزآمیز و آمیخته با مزاح در مورد مسائل مختلف سخن می‌گوید، زمانی که موضوع طنز، زنان باشد ضرب‌المثل حالتی کنایه‌آمیز، هزل‌گونه و نیشدار به خود می‌گیرد» (Kerschen, 2012: 3).

از سال ۱۹۶۰، افزایش حرکات فمینیستی که مبدأ آن آمریکا بود، سبب ارتقای بیشتر تحقیقات جنسیتی زبان در سراسر دنیا شده است. بسیاری از محققان و جامعه‌شناسان سعی کرده‌اند راه‌های استفاده از زبان را درباره زنان بررسی و بین دو جنس مقایسه کنند تا دریابند که طبق گفتمان به کار رفته، آیا زنان بدنام شده‌اند و در موقعیت فرودست مردان قرار گرفته و مورد تحقیرند و یا اینکه برعکس او را مظهر عشق، فداکاری و ایثار بدانند (Shifeng Wang, 2012: 150). یکی از راه‌های پی‌بردن به اینگونه

۹۲ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و چهارم، پاییز ۱۳۹۳

سؤالات، استفاده از ضرب‌المثل‌هاست که در این پژوهش سعی شده است پس از جمع‌آوری ضرب‌المثل‌های مربوط به زنان از کتاب‌ها و فرهنگ ضرب‌المثل‌های معتبر با روش تحلیلی - توصیفی، ضمن معرفی چهره زن به توصیف آنها بپردازد.

کلیه ضرب‌المثل‌های گردآوری شده در این پژوهش، به سه جنبه مختلف زندگی زنان مربوط می‌شود که پس از بررسی آنها، موارد قابل توجه از آنها استخراج و مورد واکاوی قرار می‌گیرد. این سه جنبه عبارتند از:

۱. ضرب‌المثل‌های مربوط به طبیعت، زیبایی و جسم زن.
۲. ضرب‌المثل‌های مربوط به دوره‌های مختلف زندگی او مثل دختر، تازه عروس، همسر، مادر، بیوه، مادر بزرگ و ...
۳. ضرب‌المثل‌های مربوط به زندگی خصوصی وی نظیر عشق، حاملگی، تولد بچه، کار و زندگی خانوادگی ...

با توجه به اینکه ایدئولوژی جنسیت‌گرایانه در زبان فارسی به صورت گسترده در ضرب‌المثل‌ها نمود می‌یابد، بنابراین با بررسی معانی و دلالت‌های اجتماعی و روان‌شناختی آنها می‌توان به دیدگاه‌های موجود درباره زن پی‌برده و ویژگی‌های منتسب به وی را از نظر جنسیتی و در نقش‌های مادری، همسری، دختری و خویشاوندی بررسی کرد.

طرح مسئله و ضرورت پژوهش

از آنجا که زنان تقریباً نیمی از جمعیت کشور ما را تشکیل می‌دهند و در قالب نیمه پیکر انسانی که زاینده آن نیمه دیگر نیز هست، در جایگاهی فراتر از قوم و ملت و نژاد و تبار قرار دارند، جست‌وجو برای یافتن هویت راستین آنان، تلاش برای یافتن هویت و سرشت راستین نوع بشر برای جهانی انسان‌پرور و انسان‌گراست. از آنجا که بهبود وضعیت زنان در جامعه، با اصلاح نگرش‌ها در مورد تساوی حقوق اجتماعی زن و مرد و به‌ویژه استیفای حقوق زن آغاز می‌شود، مطالعه وضعیت زنان برای رسیدن به

این مهم ضروری به نظر می‌رسد (ر.ک: مرادی، ۱۳۹۱).

از طرفی در اذهان بسیاری از مردم، هر گاه سخنی از حقوق زنان به میان می‌آید، تنها این مسئله به ذهن خطور می‌کند که زن در عرصهٔ پهناور جهان، از آغاز تاکنون و فارغ از زمان و مکان، نژاد، رنگ و آیین، بار مسئولیت ویژه‌ای بر دوش دارد و آن عبارت است از زادن و پروردن و به بلوغ رساندن. آیا به راستی نقش زنان در همین چند کلمه خلاصه می‌شود؟ شکی نیست که موارد یادشده، بخشی از حیات زن و شاید مهم‌ترین بخش آن یعنی پرورش در همین بخش جای می‌گیرد که انکار و چون و چرای نمی‌پذیرد. اما حقیقت این است که زن در ساختار اجتماعی، تاریخی، سیاسی و زیربنای فرهنگ و تمدن و پیدایش باورها و اعتقادات نقش بس عمده داشته و دارد (اعتضادی، ۱۳۸۸: ۴۹).

حال اگر ضرب‌المثل‌ها را آینهٔ جوامع بدانیم، با توجه به اینکه از دامان فرهنگ یک ملت بیرون می‌آیند و ناخودآگاه بر اذهان اهل یک زبان تأثیر می‌گذارند، با بررسی مفهوم آنها می‌توان دیدگاه جامعه نسبت به زنان را بهتر درک کنیم؛ زیرا با اندکی تأمل می‌بینیم در اغلب موارد، ضرب‌المثل‌ها از زبان مردان و خطاب به زنان گفته شده و در اندک مواردی زنان، مردان را مورد خطاب قرار داده‌اند.

یک ضرب‌المثل کرمانی می‌گوید: «مردان خوبشان برای توی دیگ خوبند و بدشان زیر دیگ»؛ این مثل ساختهٔ زنان، اما در برابر انبوه مثل‌هایی است که مردان آنها را ساخته‌اند. مشخص نیست چرا مثل‌هایی که زنان ساخته‌اند، رواج نیافته‌اند؛ شاید به دلیل عدم ارتباط زنان، بی‌سواد نگاه داشتن آنان، حاکمیت مردان و نظیر اینها باشد. زن‌ها در اغلب ضرب‌المثل‌ها، چهره‌ای منفی دارند، بی‌وفا، پرحرف، یک‌دنده و ... : «زن یک تخته‌اش کم است»، «زن خوبش هم بد است». درست در مقابل آنها، تمثیل‌هایی را می‌بینیم که جایگاه خوب زن را روشن می‌سازند. البته تعداد آنها محدودند، مثلاً «هر کس که زن ندارد، آرام تن ندارد» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۴۰). از طرفی این مسئله با نگاه جنسیتی آمیخته شده و دید ابزارگونه به زن دارد، نه تکریم‌آمیز که با مطالعهٔ آنها به بررسی موارد متناقض می‌پردازیم و با واکاوی آنها می‌توان به بررسی کلیشه‌های جنسیتی مربوط به زنان پرداخته و برای کاهش دیدگاه‌های منفی در پی راه‌حلی بود.

با توجه به اهداف یادشده در این پژوهش، سؤالات زیر مطرح شده است:

- ۹۴ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و چهارم، پاییز ۱۳۹۳
۱. در ضرب‌المثل‌های فارسی مطرح شده، چه ویژگی‌هایی از زن بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؟
 ۲. دیدگاه ارائه شده نسبت به زن در ضرب‌المثل‌های فارسی چگونه است؟

پیشینه تحقیق

در مورد نقش و اهمیت جایگاه زن و کشف ایدئولوژی‌ها و ذهنیت‌های پنهان در مورد وی از دیدگاه ضرب‌المثل‌ها، تحقیقات زیادی صورت نگرفته است و نتایج پژوهش‌های موجود نشان‌دهنده آن است که در اکثر ضرب‌المثل‌ها، زنان به حاشیه رانده می‌شوند و بیشتر به مسائل اجتماعی و تأثیرات بیرونی حضور زن توجه می‌شود، تا افکار درونی آنها.

در ذیل به برخی پژوهش‌های انجام شده در این حوزه پرداخته می‌شود: موحد و همکاران (۱۳۹۱) به تحلیل جامعه‌شناختی ضرب‌المثل‌ها در شهرستان لامرد پرداخته و نشان داده‌اند که در آنجا هیچ نقش اجتماعی یا حرفه‌ای برای زنان قائل نبوده و ضرب‌المثل‌ها درباره دو محور ویژگی‌های مختلف شخصیتی زنان و نقش آنان در خانواده معطوف به مردسالاری موجود در آن شهر شکل گرفته است.

محمدپور و همکاران (۱۳۹۱) با رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی نشان می‌دهند که در فولکلور کردی نگاه به زن، متنوع، نامتعیین و گاه متناقض است.

ذوالفقاری (۱۳۹۱) به بررسی ضرب‌المثل‌هایی می‌پردازد که به اعضای خانواده و روابط میان آنها اشاره شده است و ویژگی این شخصیت‌ها را در میان افراد جامعه تا حدودی آشکار می‌سازد. کیخایی و سیاوش (۱۳۹۲) به بررسی نقش ضرب‌المثل‌های فارسی در ساخت و پایدار نمودن فرهنگ جنسیتی پرداخته‌اند. آنان نشان می‌دهند که زبان فارسی که تبعیض جنسیتی را در خود نهفته دارد، نقش فعالی در فرودست نشان دادن زنان و ارزش نهادن به مردان ایفا می‌کند. زاهدی (۱۳۹۰) که با استفاده از رویکرد تحلیل انتقادی به بررسی زن در ضرب‌المثل‌های انگلیسی پرداخته است، به مشهود بودن ساختار اجتماعی نابرابر و وجود نظام مردسالاری در ضرب‌المثل‌های فرهنگ اکسفورد اشاره کرده است.

روش تحقیق

این تحقیق با استفاده از تحلیل متن و روش تحلیل کیفی به عنوان ابزاری کاربردی به بررسی ویژگی‌های منتسب به زن و ساختار کلامی به کار گرفته شده درباره‌ی وی در ضرب‌المثل‌ها می‌پردازد. قلمرو تحقیق می‌تواند از یک طرف مربوط به داده‌های تحقیق باشد، که بخش اندکی از داده‌های خام مورد بررسی در این پژوهش از گفتار روزمره مردم و بخشی از آن، از طریق مراجعه به سایت‌های رایانه‌ای به دست آمده است. اما حجم وسیعی از داده‌ها، از همان متون مکتوب و کتب مرجع که از طریق منابع نوشتاری و فرهنگ‌های گوناگون تاکنون به نشر رسیده‌اند، جمع‌آوری شده است؛ یعنی عمدتاً بر مطالعات کتابخانه‌ای استوار بوده است. سه کتاب «امثال و حکم» دهخدا و نیز «فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی» ذوالفقاری و «دوازده هزار ضرب‌المثل فارسی» شکورزاده از مهم‌ترین آنها محسوب می‌شود.

از طرف دیگر، قلمرو تحقیق می‌تواند مربوط به دلایل انتخاب موضوع باشد که برای آگاهی از نگرش هر فرهنگ و جامعه‌ای نسبت به زنان، یکی از منابع اطلاعاتی می‌تواند ضرب‌المثل‌های آن زبان باشد که تغییرات اجتماعی و برون‌زبانی بر آنها دیرتر تأثیر می‌گذارد. در اینجا ابعاد روان‌شناختی و ارزشی زنان بررسی نشده است. جامعه آماری تحقیق حاضر، شامل کلیه ضرب‌المثل‌ها و مطالب منعکس‌شده از سیمای زن در این کتب معتبر است و آمارهای ارائه شده نیز به صورت دستی و توسط نمونه‌های جمع‌آوری شده، انجام گرفته است و تا حدی بیانگر اهمیتی است که در این فرهنگ به ویژگی‌های خاص زنانگی داده می‌شود.

جنسیت^۱ و زبان‌شناسی اجتماعی

یکی از موضوعات مورد توجه در حوزه میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی اجتماعی، زبان و جنسیت یا به تعبیر تخصصی‌تر، زبان‌شناسی جنسیت است و متغیر مورد بررسی در این پژوهش نیز «جنسیت» محسوب می‌شود. جنسیت خود متغیری اجتماعی است؛ اما از آنجا که ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی هر جامعه با واسطه‌ی اعضای آن جامعه بر زبان

1. Gender

۹۶ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و چهارم، پاییز ۱۳۹۳
آنان تأثیر می‌گذارد یا به عبارتی بر زبان فرافکن می‌شود، پرداختن به جنسیت در مطالعات زبان‌شناسی، امری لازم و بدیهی به نظر می‌رسد.

گفته می‌شود که زبان همچون آینه‌ای ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع خود را منعکس نموده و در تداوم یا رنگ‌باختگی این ویژگی‌ها نقش بسزایی دارد. این همان چیزی است که رابطه فرهنگ و زبان خوانده می‌شود که در کنش‌های فردی و اجتماعی، رنگ جنسیتی نیز به خود می‌گیرد.

همچنین جنسیت در آموزه‌های اخلاقی مقوله‌ای است که بر مبنای آن، تنظیم روابط فردی و اجتماعی صورت می‌گیرد و از این‌رو با مناسبات قدرت در حوزه خصوصی و اجتماعی پیوندی نزدیک دارد و شکل‌گیری روابط قدرت مبتنی بر جنسیت، با تحولی در آگاهی‌ها و باورها همراه بوده است (صادقی، ۱۳۹۲: ۳۴۵).

از نظر آیوی و بلاکلوند، زبان جنسیت‌گرا نوعی ارتباط کلامی است که نگرش جنسیت‌گرایی را بازتاب می‌دهد (Ivy & Blacklund, 1944: 72). کینگ معتقد است: «جنسیت‌گرایی زبان زمانی صورت می‌گیرد که اولاً با زنان و مردان با شیوه‌های مختلف برخورد شود، ثانیاً تفاوت‌های رفتاری برای زنان نسبت به مردان از مقبولیت کمتری برخوردار باشد و در نهایت پایه و اساس این تفاوت‌ها بر اساس جنسیت باشد» (King, 1944: 3). نرسیسیان^۱ معتقد است: «زبان جنسیت‌زده می‌تواند تأثیرات عمده‌ای بر جامعه بگذارد و حامل پیامدهای منفی باشد» (نرسیسیان، ۱۳۸۸: ۹). مثلاً می‌تواند کاربرد متمایز و بی‌ادبانه‌ای را نسبت به جنس دیگر ترویج دهد، یا باعث شود جنس دیگر، تصویر کلیشه‌ای یا منفی از خود بروز دهد، یا احساس از خود بیگانگی یا انزوا را در تعامل‌های گفتاری در یک جنس سبب شود که عموماً شامل زنان می‌شود. در نتیجه بر انتظارات مردان و یا خود زنان از آنچه شایسته زن است، تأثیر می‌گذارد. از جمله: خاله زنی، زن صفت و... بنابراین می‌بینیم که در این میان ضرب‌المثل‌ها که بازتابی از زندگی مردم هستند، اهمیت ویژه‌ای دارند.

مقاله حاضر از طریق تحلیل زبانی ضرب‌المثل‌ها، سعی در بررسی جنسیت‌زدگی زبانی در ضرب‌المثل‌های موجود دارد و به ارزیابی ویژگی‌های منتسب به زنان در افکار

1. Emilia Nersesians

عمومی می‌پردازد. ضرب‌المثل‌ها که گنجینه‌ای از دستورها، رویه‌ها و حقایق زندگی هستند، افکار و احساسات توده مردم را بهتر به نمایش می‌گذارند و از طریق مطالعه و بررسی آنها می‌توان دریافت که آیا نابرابری جنسیتی وجود دارد یا نه.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق، ۳۸۲ ضرب‌المثل فارسی مرتبط با زن، از فرهنگ‌ها و منابع مختلف گردآوری شده است. با بررسی ساختارهای کلامی به کار گرفته شده در زبان فارسی می‌بینیم که ضرب‌المثل‌ها یا به طبیعت زن اشاره می‌کند و یا مربوط به واژه‌های خویشاوندی هستند که مطابق جدول شماره (۱)، طی یک آمار که به صورت دستی گرفته شده، ضرب‌المثل‌های مربوط به زن و طبیعت وی حدوداً ۶۷/۵٪ کل ضرب‌المثل‌ها را شامل می‌شود و ضرب‌المثل‌های مربوط به واژه‌های خویشاوندی که ۱۲۴ مثل است، ۳۲/۴۶ درصد از کل آنها را تشکیل می‌دهد که این ضرب‌المثل‌ها درباره همسر، مادر، دختر، عروس، مادر شوهر، خواهر شوهر و مادر ناتنی گفته شده است. بنابراین آنچه اهمیت بیشتری در ضرب‌المثل‌های عنوان شده در زبان فارسی دارد، به طبیعت و خصوصیات ذاتی زن اشاره می‌کند.

جدول ۱- ساختارهای کلامی به کار رفته در کل ضرب‌المثل‌ها

واژه‌های خویشاوندی در فرهنگ ضرب‌المثل‌های فارسی			
ردیف	نوع ضرب‌المثل	فراوانی	درصد
۱	ضرب‌المثل‌های مربوط به زن و طبیعت وی به طور کلی	۲۵۸	۶۷/۵۴
۲	ضرب‌المثل‌های مربوط به واژه‌های خویشاوندی	۱۲۴	۳۲/۴۶
۳	جمع ضرب‌المثل‌ها	۳۸۲	۱۰۰

همان‌طور که در جدول (۲) نیز دیده می‌شود، از میان اعضای خانوادگی و خویشاوندی، ابتدا واژه همسر و سپس مادر بیشترین تکرار و وفور را در ضرب‌المثل‌های فارسی دارد که البته دختر و عروس با اختلاف کمی نسبت به هم و بعد از مادر عنوان شده است.

جدول ۲- درصد واژه‌های خویشاوندی

واژه‌های خویشاوندی در فرهنگ ضرب‌المثل‌های فارسی			
ردیف	واژه خویشاوندی	فراوانی	درصد
۱	همسر	۴۱	۳۳/۰۶
۲	مادر	۳۰	۲۴/۱۹
۳	دختر	۲۱	۱۶/۹۴
۴	عروس	۱۸	۱۴/۵۲
۵	نامادری	۵	۴/۰۳
۶	مادرزن	۳	۲/۴۲
۷	مادرشوهر	۳	۲/۴۲
۸	خواهرزن	۲	۱/۶۱
۹	خواهرشوهر	۱	۰/۸۱
	جمع	۱۲۴	۱۰۰

اکنون با استفاده از شیوه تحلیل موضوعی و واکاوی محتوایی و مفهومی، ضمن بررسی ضرب‌المثل‌ها و تفکیک و جداسازی آنها، سه مقوله عمده مشاهده شده که عبارتند از:

الف) مشخصه‌های فیزیکی و روان‌شناختی زنان

ب) ویژگی‌های اخلاقی و عاطفی زنان

ج) روابط اجتماعی و خانوادگی آنان

دو ویژگی اول بیشتر به زن و طبیعت وی مربوط می‌شود و واژه‌های خویشاوندی در مقوله سوم جای می‌گیرد و با تقسیم‌بندی هر یک از این سه مقوله به زیرمجموعه‌های دیگر، به بررسی موارد ریزتر مربوط به آنها مطابق شکل (۱) می‌پردازیم:



نمودار ۱- ویژگی‌های عمده و شاخص درباره‌ی زنان در ضرب‌المثل‌ها

حال به بررسی ویژگی‌های عمده و شاخص درباره‌ی زنان مطابق جدول بالا می‌پردازیم که محور انتخاب‌شده در این تقسیم‌بندی صرفاً نظر شخصی نویسندگان است که با در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف زندگی زن که در مقدمه ذکر شده، استخراج شده است:

ویژگی‌های فیزیکی و روان‌شناختی زنان

با بررسی ضرب‌المثل‌ها درباره‌ی زنان می‌توان دید که حقوق انسانی و جایگاه اجتماعی مطلوب را برای وی به رسمیت نمی‌شناسد و شناخت ناقصی از ویژگی‌های بدنی و روانی او ارائه می‌دهد و ویژگی‌هایی مانند زیبایی، ناپایداری و متغیر بودن و ناقص‌العقلی از این دسته کم و بیش به زنان نسبت داده می‌شود که در ذیل بررسی می‌شود:

زیبایی زنان

نگاهی به ضرب‌المثل‌ها نشان می‌دهد که زیبایی با نگاه جنسیتی به زنان جایگاهی ویژه دارد و بیانگر اهمیت آن از نظر هنجارها و ارزش‌های اجتماعی آن جامعه است. از

۱۰۰ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و چهارم، پاییز ۱۳۹۳

نظر مردان، زیبایی یکی از مهم‌ترین ابزار فریب و نیرنگ در دست زنان و مانند تیغ برنده‌ای است که مردان را اسیر خود می‌کند. در یک جامعهٔ مردسالار، ارزش زن برحسب شکل چهره و وضعیت بیرونی و اندام وی، بدون توجه به اخلاق و اندیشه سنجیده می‌شود. یعنی تعبیری مثل: «ماه شب چهارده» یا «حوری بهشت».

۱- زیبایی زنان عاملی در خدمت خوشی و لذت مردان

زیبایی فیزیکی شاید در زنان همه‌چیز نباشد، اما یقیناً عامل بسیار مهم نزد اکثر مردان است. در واقع مردان، زیبایی را شاید شاخص علایم باروری، تندرستی و جوانی می‌دانند؛ به همین دلیل ناخودآگاه آن را هنگام همسرگزینی در زنان جست‌وجو می‌کنند. «از حمام می‌آیی، برو خانه شوهر؛ از جامه‌شویی، خانه مادر» (حجازی، ۱۳۸۵: ۹۶).

۲- زیبایی زن عاملی برای نگرانی مردان

ظاهر زیبا و جذابیت جسمی زنان عاملی است که مردان، ازدواج با یک زن زیبا را مایهٔ نگرانی خود می‌دانند. «زن خوشگل مال مردم است».

«زن زیبا بهشت چشم، جهنم روح و دوزخ کیف پول است» (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۶۳).

۳- زشت‌رویی، محافظ زنان

زشت‌رویی می‌تواند عاملی برای محافظت زنان در مقابل مردان شود که نمونهٔ آن را در ضرب‌المثل‌ها می‌بینیم:

«زن زشت و زمین شیب‌دار، خانه را محفوظ نگه می‌دارد» (همان: ۱۶۲).

«زیبایی زن همیشه مایهٔ هلاکت خودش و هلاکت دیگران است» (همان: ۱۶۵).

۴- طنازی و افزایش علاقهٔ مرد به زن

گاهی اوقات زن زیبایی ندارد، اما طبیعت مرد او را به این دل‌بستگی و محبت سوق می‌دهد، زیرا شخصیت زن با طبع وی چنان سازگار است که این تمایل را در او تقویت می‌کند (استوارت میل، ۱۳۹۰: ۵۸).

۵- عادی شدن زیبایی به مرور زمان

زیبایی ظاهری یک زن به مرور زمان از بین می‌رود، اما زیبایی درونی با داشتن مهر و محبت، عاطفه و پاکدامنی و... هرگز عادی نمی‌شود و می‌تواند تکیه‌گاهی برای ادامه زندگی باشد.

«زن تا زمانی جذاب است که تصاحبش نکرده‌ای» (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۶۹).

ناپایداری، متغیر بودن و تزلزل رأی زنان

مردان بارها اذعان کرده‌اند که قادر به درک زنان نیستند. آنها القایی چون ایزدبانو، لعبت، مادر، باکره، فرشته، پرستار، افسونگر، عجوزه، نیمه بهتر یا ضعیفه را به زن نسبت می‌دهند و معتقدند که زنان به عنوان موجوداتی متناقض با شخصیت‌های متغیر، همه این نقش‌ها را به گونه‌ای فراطبیعی ایفا می‌کنند (وارنر، ۱۳۸۶: ۳۳). نمونه این تفکرات جنسیتی را در ضرب‌المثل‌ها می‌توان دید که نشان می‌دهند که زنان در استفاده از قابلیت‌های خود متزلزل و ناتوانند.

۱- کم طاقت بودن

اشک ریختن را می‌توان یکی از ویژگی‌های بارز زنان دانست که در اکثر موارد در ضرب‌المثل‌ها به صورت پدیده‌ای تصنعی به آن اشاره شده است.

«گریه زن، دام زن است» (دهخدا، ۱۳۷۵: ۱۳۱۱).

«اشک زن، قدیمی‌ترین اسلحه اوست» (موسوی، ۱۳۸۷: ۱۰۸).

«زنان هر وقت بتوانند می‌خندند و هر وقت بخواهند گریه می‌کنند» (اسدی،

۱۳۹۰: ۱۶۶).

۲- ضعیف‌النفس بودن

زن و مرد در بهره‌مندی از قوه عقل یکسان هستند، اما به دلیل طبع نازک و عواطف مادری ممکن است احساسات زن بر عقل او غلبه کند.

۱۰۲ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و چهارم، پاییز ۱۳۹۳
«زن زن است، اگرچه شیر نر است» (حتی اگر در جرأت مانند شیر باشد، باز
ضعیف‌النفس است) (خضرای، ۱۳۸۲: ۶۰۵).

۳- متغیر بودن

یکی از موضوعاتی که مکرر در ضرب‌المثل‌ها دیده شده، متغیر بودن حالات زن است؛ زیرا زن در زندگی روزمره همواره ذهنش به اموری متنوع مشغول است و همان‌طور که زمین نمی‌تواند از چرخش باز ایستد، ذهن او هم نمی‌تواند از مشغولیت رها باشد (استوارت میل، ۱۳۹۰: ۹۴).

«زن در آن واحد ۷۷ فکر در سر می‌پروراند» (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

«فکر زن و باد زمستان در تغییرند» (دیویدف، ۱۳۹۱: ۳۹۱).

ناقص‌العقلی و فرودست تلقی کردن زنان

زنان که نیمی از پیکره بزرگ خانواده انسانی را تشکیل می‌دهند، متأسفانه در بسیاری از ضرب‌المثل‌ها به عنوان موجودی فاقد عقل، ناقص‌الخلقه و پست معرفی شده و مردان خود را برتر از آنها دانسته‌اند و همین امر سبب شده که نظام مردسالاری بر جامعه حاکم شود. مردان معتقد بودند که زنان به خاطر نقش وجودی ممکن است جامعه را به فساد و تباهی بکشانند؛ پس بهتر است از متن جامعه دور بمانند.

«زن یک تخته‌اش کم است» (حجازی، ۱۳۸۵: ۴۱).

۱- ساده‌اندیشی و کم‌خردی زنان

در اینجا غالب بودن جنبه احساسی و عاطفی در شخصیت زن بر عقلانی بودن آن مد نظر است که باعث می‌شود هنگام مشورت و تصمیم‌گیری در امور مهم به او اهمیت داده نشود و وی را به عنوان موجودی که فاقد قدرت منطق و استدلال است معرفی کند.

«فضل مردان بر زن ای خالی‌پرست / زان بود که مرد پایان‌بین‌تر است»

(دهخدا، ۱۳۷۵: ۱۲۲۳).

«زنان گفتار مردان راست دارند / به گفت خوش تن ایشان را سپارند» یعنی

زنان احساساتی‌اند و ممکن است به راحتی تسلیم مردان شوند.

۲- شکست و زبونی مرد در صورت مشورت و هم‌فکری با زنان

از دیدگاه اسلام عزیز، جنسیت هیچ نقشی در ارزش‌ها ندارد، زیرا جنسیت یک عنصر مادی است ولی درک و برخورداری از فضیلت‌ها با عقل آدمی حاصل می‌شود که متعلق به روح است و روح، زن و مرد ندارد. اسلام که مشورت کردن را یکی از این فضایل عقلانی می‌داند، در جزیی‌ترین مسائل نیز به مشورت میان زن و شوهر امر می‌کند (ر.ک: آیه ۲۸ سوره شورا^(۱)). اما متأسفانه بر اساس تفکرات فرهنگی در تعدادی از ضرب‌المثل‌ها، مشورت و هم‌فکری با زن را نوعی شکست و زبونی مرد می‌داند (ر.ک: پاسخگویی به شبهات، ۱۳۹۱).

«به گفتار زنان هرگز مکن کار زنان را توانی مرده انگار»

(ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۵۹۰)

۳- پلیدی و فتنه‌انگیز بودن زن

در تعدادی از ضرب‌المثل‌ها، زن را زادهٔ شیطان، عنصری پلید و پاک‌ناشدنی و مظهر گناه، فساد و مکر و حيله و منشأ انهدام جهان دانسته‌اند، به طوری که در بسیاری از جوامع، وی را به لحاظ روانی و جسمانی، تحقیر و هویت و شخصیت انسانی‌اش را پامال کرده‌اند. البته اسلام با این اعتقادات جاهلانه و ظالمانه شدیداً مبارزه کرده و شخصیت انسانی زن را بالا برده و گفته است: «اکثر الخیر فی النساء» (در مقابل کسانی که وی را منشأ شر می‌دانند) (برهانی، ۱۳۸۵: ۱۰).

«شکم هر فتنه را که بازکنی، دست زن تو کاره» (تمام فتنه‌ها زیر سر زنه)

(شهری، ۱۳۷۰: ۴۰۰).

۴- فرودستی در تشبیه زنان به حیوانات

بسیاری از ضرب‌المثل‌ها سعی در تحمیل برخی صفات و عناوین حیوانی به زن دارد که شاید معلول برخی سیاست‌های جامعهٔ مردسالار و تبعیض‌های جنسیتی باشد.

«زن نیک در خانه مار است و گنج بد چو دیو است و مارشکنج» (دهخدا،

۱۳۷۵: ۹۲۷).

«زن سلیطه، اسب بدون افسار است» (تنباکویی، ۱۳۸۹: ۱۶۴).

ویژگی‌های اخلاقی و عاطفی زنان

مقوله‌های اخلاقی و عاطفی زنان، همان ویژگی‌های مثبت و منفی هستند که در بسیاری از ضرب‌المثل‌ها به آنها اشاره شده است. در ضرب‌المثل‌های مربوط به زنان در مقوله‌های جنسیتی و یا تصورات قالبی مشترک بین زنان و مردان، ویژگی‌های بسیاری دیده می‌شود که به آنان نسبت داده شده است؛ مانند: زیبایی، بدخویی، خوش‌خویی، بی‌وفایی، رازداری، پرحرفی، کم‌حرفی، حسادت، صداقت، کینه‌ورزی، نیاز، سحر و جادو، استقلال، وابستگی، می‌خوارگی، قدرت، ضعف و مواردی مشابه که میزان نسبت داده شده هر یک از این صفات به مردان و زنان متفاوت است. در برخی از این مقوله‌ها شاهد فراوانی بیشتر زنان نسبت به مردان هستیم و برعکس. مثلاً زنان در منفعل بودن، عدم رازداری، بی‌وفایی، پرحرفی، تزویر و ریا، فراوانی بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند و مردان در مقوله‌هایی مانند فعال بودن، ضعیف‌النفس در هوس، رازداری، قدرت، ظلم و ستم، فراوانی بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند (شاملو، ۱۳۸۶: ۲۲۸).

جدول ۳- درصد صفات مثبت و منفی اختصاص داده شده به زنان

مقوله‌ها	فراوانی	درصد
صفات مثبت	۳۱	۸/۱
صفات منفی	۱۲۰	۳۱/۴
جمع	۱۵۱	۳۹/۵

در پژوهش حاضر، طبق آماری که به صورت دستی از میان ۳۸۲ ضرب‌المثل گرفته شده، درصد صفات مثبت و منفی اختصاص داده شده به زنان در جدول (۳) مشاهده می‌شود. آنچه این جدول نشان می‌دهد، این است که:

۱. مظاهر منفی نسبت داده شده به زنان در ضرب‌المثل‌ها تقریباً چهار برابر مظاهر مثبت است.

۲. بررسی کل ضرب‌المثل‌ها نشان می‌دهد که ۳۹/۵ درصد از ضرب‌المثل‌ها به صفات زنان مربوط می‌شود و مابقی آنها موارد دیگری را در برمی‌گیرد، مثلاً ازدواج، مسئولیت‌های زنان، روابط اجتماعی و خانوادگی و

مقوله‌های اخلاقی و عاطفی منفی در زنان

مضامین منفی زیادی مطرح بودند که حامل تفکرات غلط و ظالمانه و بداندیشی‌ها و کینه‌توزی‌های دوران جاهلیت و سودجویی‌های عصر تجدد و تمدن است (برهانی، ۱۳۸۵: ۱۱). از جمله صفات منفی مطرح شده در ضرب‌المثل‌ها می‌توان به خیانت‌کاری، حيله‌گری، پرحرفی، خبرچینی و غیره اشاره کرد.

۱- حيله‌گری

از قدیم‌الایام ضرب‌المثل‌هایی وجود دارد که زن را متهم به حيله‌گری و نیرنگ‌بازی می‌کند و معتقد است که زن «شیطان» است.

«حيله، کار زن است و روباه» (حجازی، ۱۳۸۵: ۴۵).

«فلک از مکر زن صد ناله دارد» (شکورزاده، ۱۳۸۹: ۵۳۵).

۲- بی‌وفایی

بی‌وفایی یکی از شاخص‌های بی‌مهتری است که مکرر در ضرب‌المثل‌ها به زن نسبت داده‌اند. البته حدیث بی‌وفایی مردان بیشتر از زنان است، اما اینکه چرا همان اندک بی‌وفایی بزرگ شده و به ضرب‌المثل تبدیل شده، شاید به دلیل انتظارات اخلاقی بیشتر از زن است. اما بی‌وفایی مرد فقط در ضرب‌المثل ذیل آمده است: «تنبان مرد که دو تا شد، فکر زن نو می‌افتد» (ر.ک: کلهر، ۱۳۸۰).

«نشاید یافت اندر هیچ برزن / وفا در اسب و شمشیر و در زن» (دهخدا،

۱۳۷۵: ۱۸۱۳).

۳- سخن چینی

صفت زشتی است که عموماً یک صفت زنانه محسوب می‌شود. حتی امروزه اگر مردی این کار را انجام دهد، او را به داشتن رفتار زنانه منسوب می‌کنند. عواقب سخن چینی، دعوا و رودررویی انسان‌ها با هم است.

«نخود زیر زبان زن نمی‌چسبد» (شکورزاده، ۱۳۸۹: ۶۱۱).

«دهن زن، چفت و بست ندارد».

«من میگم برای خالم، خالم میگه برای عالم».

۴- شلختگی

به معنای کثیفی، آشفتنگی و بی‌انضباطی، صفتی است که برای برخی زنان در مقابل زن زیبا، مرتب و شایسته به کار می‌رود.

«زن رضا شلخته است، زن‌ها همه چنین‌اند».

همچنین در مثل‌ها آمده است زنانی که در خانه‌داری بی‌هنرنده یا «شلخته»، بخت

بهتری در شوهر و زندگی دارند و در مورد آنها گفته‌اند:

«فاطمه‌زهرا برای شلخته‌ها دو رکعت نماز خوانده است» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸:

۱۱۴۲).

۵- ولخرجی

گاهی در مثل‌ها آمده است: زنان در خرج کردن بی‌ملاحظه‌اند.

«مرد به پارو می‌آورد و زن به جارو بیرون می‌ریزد» (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۶۲۷).

۶- حسادت

حسادت به جنس مخالف در فرهنگ ما دو نام متفاوت دارد. برای زن این حس، حسادت عنوان می‌شود، ولی برای مرد همین مورد، غیرت نام دارد و می‌توان گفت این مورد، خود نمونه‌ای از تبعیض جنسیتی در ضرب‌المثل‌هاست.

«زن حسود خانه را به آتش می‌کشد» (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۶۴).

۷- تنبلی

تنبلی مساوی با تن‌پروری، عدم فعالیت و واگذاری کار خود به دیگران است. در واقع تمام انتظاراتی که مرد از زن دارد، نداشتن این صفت است، تا در خدمت وی باشد. «زنان از آن نام ناید بلند که پیوسته در خوردن و خفتند» (دهخدا، ۱۳۷۵: ۹۱۹).

۸- شرارت

«زن شرور و مرغ قارقارو، نه به درد دنیا می‌خورد، نه خلق خدا» (موسوی، ۱۳۸۷: ۴۱۶).

۹- پرحرفی

بیشترین هدفی که صحبت کردن برای اکثر زنان در پی دارد، برقراری ارتباطات انسانی و عاطفی است. در حالی که برای مردان، حرف زدن بیشتر به خاطر رد و بدل کردن اخبار و اطلاعات است. «جایی که زن است حرف است و جایی که پیرزن است غروغر» (برهانی، ۱۳۸۵: ۷۶).

مقوله‌های اخلاقی و عاطفی مثبت در زنان

در دورانی - پیش و پس از اسلام - زن در همه ادیان الهی، جایگاهی خاص داشته است که از او به الهه مادر، الهه دختر (آناهیتا)، الهه همسر (آرتمیس) یاد می‌شده است. بعدها در دوران اسلام، آمنه، خدیجه و فاطمه، جایگزین آنها می‌شوند. در حقیقت در دیدگاه فرهنگی ایرانیان، زن و مرد در خلقت برابرند، اما نمی‌توان اذعان کرد که در نگرش اجتماعی هم دیدگاهشان نسبت به زن کاملاً مثبت باشد (ستاری، ۱۳۷۵: ۱۵). ذکر این نکته ضروری است که بسامد مضامین منفی مربوط به زن نسبت به ویژگی‌های مثبت بیشتر بوده است.

۱- فراست و زیرکی

تعداد انگشت‌شماری از ضرب‌المثل‌ها با نگاهی ویژه به درایت و زیرکی زنان اشاره می‌کند.

۱۰۸ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و چهارم، پاییز ۱۳۹۳ —————
«مرد رود است و زن رودبند» که توجه به توانایی زن شده و به صراحت اعلام می‌کند
که زنان عاقل و دوراندیش هستند.

۲- ایجاد آرامش در زندگی کردن

زن به دلیل برخورداری از روح لطیف و عاطفه، نقش اساسی در تأمین آرامش مردان
داشته و به آسانی می‌تواند تندی و احساسات وی را فروبشاند.
«به زن گیرد آرام مرد جوان اگر تاجدار است، اگر پهلوان»

۳- خوب بودن

برترین خوبی‌های زن را در برخی از ضرب‌المثل‌ها، پارسایی، فرمان‌برداری و
سازگاری دانسته‌اند.

«زن خوب، بهار مرد است و زن بد، سر بار مرد» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۱۳۷).
«زن با چادر به خانه شوهر می‌آید و با کفن بیرون» که نشان از سازگاری
زن دارد (شهری، ۱۳۷۰: ۱۱۸).
«زن پرهیزکار طاعت‌دوست / با تو چون مغز باشد اندر پوست» (دهخدا،
۱۳۷۵: ۹۲۲).

۴- پاکدامن بودن

«زن پاکدامن تاجی است بر سر شوهرش» (دیویدف، ۱۳۹۱: ۴۰۵).

۵- مدیریت داشتن

مردان معتقدند که زنان بهتر است ارتباطات اجتماعی کمتری داشته باشند و
خانه‌نشین باشند. در حقیقت مدیریت خانه را بر دوش او محول می‌کنند.
«خانه بر دوش زن قرار دارد، نه بر روی زمین» (تنباکویی، ۱۳۸۹: ۴۵).

۶- شریک بودن

زن با مرد در تمام تحولات و تغییرات زندگی شریک است. به خصوص این مسئله

_____ بررسی ویژگی‌های منتسب به زنان در ضرب‌المثل‌های ... / ۱۰۹
امروزه بیشتر به چشم می‌خورد که تدبیر منزل و خانواده به صورت مشترک از جانب زن و مرد انجام پذیرد.

«زن شریک زندگی مرد و یار در ماندگی وی است» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۱۴۰).

۷- با تدبیر بودن

پشت هر مرد موفق، زن شیردل و آگاه به فوت‌وفن زندگی قرار دارد که با تدبیر، اندیشه و مشارکت در تصمیمات مهم زندگی، گامی در تعالی و موفقیت شوهر و فرزندان‌ش بر خواهد داشت.

«زن با تدبیر، هدیه خداست» (دیویدف، ۱۳۹۱: ۴۰۵).

در دشواری‌های زندگی: «اگر یار اهل است، کار سهل است» (برهانی، ۱۳۸۵: ۳۵).

۸- با محبت بودن

زنان می‌توانند با استفاده از ادبیاتی که درون‌مایه آن را محبت و عاطفه تشکیل می‌دهد، انگیزه برای ادامه زندگی را حفظ کنند.

«بهترین دارایی مرد، زن با محبت است» (دیویدف، ۱۳۹۱: ۴۰۸).

روابط خانوادگی و اجتماعی زنان

خانواده، پایه بنیادین اجتماع و سلول سازنده جامعه انسانی و خشت بنای جامعه و کانون اصلی حفظ سنت‌ها و هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است. در واقع خانواده، ازدواج و خویشاوندی، پدیده‌های اجتماعی مکملی هستند که هر کدام را باید به اعتبار دیگری بازشناخت. ازدواج که شروع زندگی خانوادگی است و به دنبال آن، مسئولیت‌های زن در خانواده و تأثیراتی که می‌تواند بر مرد داشته باشد، انعکاس همه اینها را می‌توان در ضرب‌المثل‌ها مشاهده کرد.

بر این اساس روابط خانوادگی را می‌توان از سه جنبه بررسی کرد که مطابق جدول (۴)، هر کدام از آنها شامل اجزایی هستند که در ادامه توضیح داده می‌شود.

جدول ۴- روابط خانوادگی و اجتماعی زنان

فعالیت‌ها و مسئولیت‌های زنان	تأثیرگذاری زنان بر مردان	ازدواج زنان و تشکیل زندگی خانوادگی
خانه‌داری	تأثیر مثبت چه مادی، چه معنوی	تحمیل ازدواج در سن پایین
فرزند آوردن	تأثیر عشق زنان بر خانواده و فرزندان	ازدواج، شکل‌گیری مجدد شخصیت زن
مادر بودن	تأثیر عدم نجابت و ناپرهیزگاری زن بر مرد	خشونت علیه زن
کدبانویی	تأثیر منفی و افزایش غم و غصه مرد	ازدواج اجباری
ریاست	تأثیر ثروت زن بر مرد	اهمیت بیش از حد به جهیزیه
اشتغال	-	چند لقب زنانگی در اجتماع بعد از ازدواج
کوچه‌گردی و خودآرایی	-	-

ازدواج زنان و تشکیل زندگی خانوادگی

بخش اعظم هویت زنان با ازدواج و ورود به خانواده شکل گرفته و رسمیت می‌یابد به همین دلیل برای زنان، ازدواج جایگاهی ویژه دارد که در ضرب‌المثل‌های بسیاری به شکل‌های مختلف به آن پرداخته شده است. مثلاً: «شوهر آدم، پیراهن آدم است».

از طرفی جامعه سنتی برای زنان، صرفاً نقش همسری و مادری قائل بود. از این‌رو زنانی که در این دو نقش ناموفق بودند، با عناوینی چون «ترشیده» و «اجاق کور»، معنی وجودی خود را از دست می‌دادند (ر.ک: مرادی، ۱۳۹۱).

موارد زیر در باب ازدواج در ضرب‌المثل‌ها به چشم می‌خورد:

۱- تحمیل ازدواج در سنین پایین‌تر

دختر به علت برخورداری از شرایط فیزیکی و جسمانی خاص، زودتر از پسر به بلوغ جسمی و جنسی می‌رسد و در برخی ضرب‌المثل‌ها به عجله و شتاب جامعه نسبت به ازدواج دختران در سنین پایین‌تر اشاره شده که حکایت از اهمیت ازدواج برای زنان نسبت به مردان است.

«دختر مثل کدوست، یک شب مهتاب رشد می‌کند» (شکورزاده، ۱۳۸۹: ۳۵۱).

«دختر که آتش روشن کند، عروس‌وار است» (مراقبی، ۱۳۹۰: ۹۷۳).

۲- ازدواج، شکل‌گیری مجدد شخصیت زنان

همان‌گونه که یک مادر، بچه را از چهل روزگی تربیت می‌کند، مردان هم از حجله یعنی آغاز زندگی مشترک، به فکر تربیت و ساختن زن هستند.
«بچه از چله، عروس از حجله».

۳- خشونت علیه زنان

حکایت از ادب‌کردن و قراردادن زن در موضع فرمان‌برداری است.
«گره را باید دم حجله کشت».

«زن چو بیرون رود، بزن سختش؛ رخ‌نمایی کند، بکن رختش» (دهخدا، ۱۳۷۵: ۹۲۳).

۴- ازدواج اجباری

اکثر خانواده‌های ایرانی گذشته از اینکه به ازدواج در سن پایین معتقد بودند، حتی تعیین می‌کردند دختر با چه کسی باید ازدواج کند. به خصوص معتقد به وصلت‌های فامیلی بودند.

«عقد پسرعمو را با دخترعمو در آسمان بسته‌اند» (موسوی، ۱۳۸۷: ۴۹۲).
«اسب خوب از طویله به در نرود، دختر خوب از قبیله» (شکورزاده، ۱۳۸۹: ۸۴).

۵- بیش از حد اهمیت‌دادن به جهیزیه

جهیزیه برای دختر حکم سندی را دارد که از طریق آن نزد داماد و خانواده او هویت پیدا می‌کند و از ارزش و احترام برخوردار می‌شود.

«جهیزیه دختر، آبروی مادر است» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۷۶۲).

عروسی که بدون جهیزیه بخواهد قدم به خانه شوهر بگذارد، همچون روزه بی‌نماز، ارزش و اعتباری برایش نیست.

«عروس بی‌جهاز، روزه بی‌نماز، دعای بی‌نیاز و قورمه بی‌پیاز» (دهخدا، ۱۳۷۵: ۱۰۹۶).

۶- مهریه

یکی از رسوم زناشویی در ایران است که از طرف مردان به دختران و زنان تعلق می‌گیرد، تا دختر به امنیت خاطر برسد که بعد از ازدواج، شوهر هرگاه اراده کرد نتواند وی را طلاق دهد.

«مهرم حلال، جانم آزاد» (مراقبی، ۱۳۹۰: ۱۸۹۰).

«مهر و کی داده، کی گرفته» (شهری، ۱۳۷۰: ۵۶۲).

۷- چند لقب زنانگی در تعاریف اجتماعی بعد از ازدواج

هوو: همان زن دوم و رقیب زن است که چشم دیدن هم را ندارند و ستیزه همیشگی آنها، زندگی را بر شوهر سخت می‌کند.

«هوو، هووست، اگر همه، سبوست» (مراقبی، ۱۳۹۰: ۲۰۹۸).

«هوو، هوو را خوشگل می‌کند و جاری، جاری را کدبانو» (همان).

زن بابا: در دشمنی زن پدر و فرزندان شوهر، داستان‌ها گفته‌اند:

«زن بابا دلبر شود، مادر نشود».

«زن بابا اگر نونم می‌داد، سر تنورم می‌داد» (شکورزاده، ۱۳۸۹: ۶۰۶).

زن بیوه: زنانی که به علت طلاق یا مرگ همسر، بیوه شده‌اند، از نظر عاطفی دچار مشکلاتی می‌شوند و گاهی نیز از مشکلات اقتصادی رنج می‌کشند.

«بیوه بوسیدن، چرم کهنه جاییدن است» (همان: ۲۱۰).

پیرزن: اکثر ضرب‌المثل‌ها لحن تند و بیان غیر محترمانه‌ای نسبت به پیرزنان دارند و آنان را نمادی از فریب‌کاری و نیرنگ می‌دانند.

«طوفان ز تنور پیرزن خاست» (مراقبی، ۱۳۹۰: ۱۳۴۳).

تأثیرگذاری زنان بر مردان

آنچه مسلم است اینکه زن در مرد تأثیر فراوان داشته است و تأثیر زن در مرد بیشتر از تأثیر مرد بر زن بوده است. مردان، بسیاری از هنرنمایی‌ها و شجاعت‌ها و دل‌آوری‌ها و

نبوغ و شخصیت‌های خود را مدیون زن هستند. روح و شخصیت مرد طوری ساخته شده است که برای پیشرفت نیازمند کسی باشد که وی را تصدیق و حمایت کند. تأثیرگذاری زنان بر مردان را می‌توان از دو جنبه مثبت و منفی بررسی کرد که در ذیل اشاره شده است:

۱- تأثیر مثبت، چه مادی چه معنوی

بر اساس روایت، زنی که حافظ ناموس و امانت‌دار همسرش باشد، می‌تواند سعادت دنیا و آخرت او را تأمین کند.

«زن خوب فرمانبر پارسا/ کند مرد درویش را پادشا» (دهخدا، ۱۳۷۵: ۹۲۴).

زن مرد را نامدار می‌کند (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۱۴۲).

زنان به طرق دیگر نیز بر خلق‌وخوی مردان تأثیر گذاشته‌اند. آنان کوشیده‌اند خصلت‌هایی را در مردان تقویت کنند که در خودشان پرورش نیافته، اما لازم دیده‌اند مردان در مقام حامیان آنان از چنین خصلت‌هایی برخوردار باشند.

«شوهر به خاکشیر می‌ماند، آنقدر باید بشویش تا پاک شود» (شهری، ۱۳۷۸:

۳۹۶).

۲- تأثیر عشق زنان بر خانواده و فرزندان

در فرهنگ ایران و ادب پارسی، سخنان بسیار درباره‌ی مقام والای زن، عاطفه، مهر و از خود گذشتگی و سختی‌کشی و دل‌نگرانی وی برای فرزندان آمده است که او را برای همه نوع فداکاری برای زندگی و همسرش آماده می‌کند و همچون شمع فروزانی محفل خانواده را روشن می‌سازد.

«کلاغ از وقتی بچه‌دار شد، یک شکم سیر به خود ندید» (موسوی، ۱۳۸۷:

۵۴۱) (نشان‌دهنده فداکاری مادر).

«سوسک به بچه‌اش می‌گوید قربون دست و پای بلورینت بروم» (همان: ۴۵۱).

«مادر، عاشق بی‌عار است».

عشق مادر یک‌سویه است و بسا پاسخی شایسته و سزاوار از طرف فرزند نمی‌یابد.

۳- تأثیر منفی و افزایش غم و غصه مرد

در مثل‌ها اشاره شده که ازدواج، غصه مرد را افزایش می‌دهد.
«کی گفته بود که زن کنی حسن بیگ! خود را اسیر غم کنی حسن بیگ!»
(خضرای، ۱۳۸۲: ۶۰۷).
«زن نداری، غم نداری» (دهخدا، ۱۳۷۵: ۱۱۳۷).

۴- تأثیر عدم نجابت و ناپرهیزکاری زن بر مرد

گران‌ترین و بارزترین سلاح در زندگی یک زن، پاکدامنی و نجابت اوست و نبود آن، بیش از هر چیز دیگر زندگی مرد را تباه می‌کند و اثر منفی در وی می‌گذارد.
«زن، صندوقچه ناموس مرد است» (شکورزاده، ۱۳۸۹: ۴۳۴).
«زن بد در سرای مرد نکو / هم در این عالم است دوزخ او» (موسوی، ۱۳۸۷: ۴۱۴).

۵- تأثیر ثروت زنان بر مرد

البته این نگاه را می‌توان هم از جنبه مثبت و هم منفی دید، اما به طور کلی در مثل‌ها اشاره شده است که دارایی زن، اسباب دردسر و آزار انگاشته شده است.
«زن زیبای بی‌ثروت، خانه تمیز بی‌اسباب است» (خضرای، ۱۳۸۲: ۶۰۷).
«با آفتابه زن نباید طهارت گرفت» (همان: ۶۰۱).
نشان می‌دهد چشم‌داشت به مال و ثروت زن، مرد را حقیر می‌کند.

فعالیت‌ها و مسئولیت‌های زنان در خانواده

در اکثر این ضرب‌المثل‌ها، حوزه فعالیت زن را به مسائل درون خانواده معطوف می‌کند و وظیفه اصلی وی را تنها خانه‌داری و تربیت فرزند و همسرمداری و فرمان‌برداری از شوهر می‌داند و حضور نداشتن وی را در اجتماع، ضامن سلامتی جامعه و خود او می‌داند (استوارت میل، ۱۳۹۰: ۱۱۷). موارد ذیل گویای این مطلب است:

۱- خانه‌داری

ضرب‌المثل‌هایی وجود دارد که خانه‌نشینی و حفظ محیط خانه را مهم‌ترین وظیفه

زن می‌داند.

«به خانه نشستن بود کار زن / برون کار مردان شمشیر زن» (دهخدا، ۱۳۷۵: ۴۵).

«زن باید در خانه باشد تا زندگی جلا و روشنایی داشته باشد» (ذوالفقاری،

۱۳۸۸: ۱۱۳۷).

«زن خانه‌داری کند، مرد نان‌آوری» (همان: ۱۱۳۶).

۲- فرزند آوردن

یکی دیگر از وظایف مهم زنان، «فرزندآوردن» است و خوشبخت‌ترین مردان کسانی هستند که همسرانشان استعداد باروری دارند. آشکار است که در چنین جامعه‌ای، زنان نازا هدف نیش زبان مردم به‌ویژه کسان شوهر بوده‌اند و باید هر چه سریع‌تر چون درخت بی‌میوه ریشه‌شان قطع شود و جای آن، درخت بارور کاشته شود.

«زن تا نزاییده، بیگانه است» (دهخدا، ۱۳۷۵: ۹۲۲).

«زنان را همین بس بود یک هنر / نشینند و زایند شیران نر» (پسر زادن بر

حرمت زنان می‌افزاید) (همان: ۹۲۰).

«زن نازا را بکشی، نازاست» (آنان نازایی را چاره‌ناپذیر می‌دانستند) (همان: ۱۱۷۳).

«زن زشت زاینده به، که زن زیبایی نازاینده» (شکورزاده، ۱۳۸۹: ۶۱۰).

۳- مادر بودن

مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مسئولیت زن بعد از همسر بودن، مادر شدن است. جامعه برای این مقام وی، احترام و ارزش زیادی قائل است، تا جایی که در آموزه‌های دینی آمده است: «بهشت زیر پای مادران است».

«کس نزاده است مهتر از مادر» (مراقبی، ۱۳۹۰: ۱۴۷۶).

۴- کدبانویی

یکی دیگر از وظایف زنان در خانه، کدبانو بودن است:

«مرد اگر یک قراضه کار کند، زن به کدبانویی چهار کند» (همان: ۱۸۷۴).

«کدخدا رود بود و کدبانو بند» (یکی از هنرهای زن کدبانو، جلوگیری از اسراف شوهر است).

۵- ریاست

در برخی ضرب‌المثل‌ها به زنان مسئولیت‌هایی را که ظاهراً مردانه است، مانند ریاست منزل، تأمین معیشت، مشورت و غیره را نسبت می‌دهند و معتقدند در همه عرصه‌های جامعه ایفای نقش می‌کنند.

«در زنانگی، زن و در مردانگی، مردند» (خضرای، ۱۳۸۲: ۶۰۵).

«زن رییس خانه است» (همان).

۶- اشتغال

به علت محدود بودن نقش اجتماعی زنان، اعتماد به قابلیت‌های شغلی وی کمتر است و از این نظر، کیفیت کار آنان در ضرب‌المثل‌ها نسبت به مردان در درجه‌ای پایین‌تر ارزیابی شده است.

«ز کار زن آید همی کاستی» (دهخدا، ۱۳۷۵: ۹۱۰).

۷- کوچه‌گردی و خودآرایی

دو موردی است که در ضرب‌المثل‌ها عنوان شده که زن گاه در کار خودآرایی است و وظیفه خود را به درستی انجام نمی‌دهد و از خانه‌داری گریزان است.

«شوهر کردم و صمه کنم، نه وصله کنم» (که به معنی خودآرایی است، نه

خانه‌داری) (دهخدا، ۱۳۷۵: ۱۰۳۵).

به زنان گردش‌دوست گویند:

«یا کوچه‌گردی می‌کند یا خانه‌داری» (مراقبی، ۱۳۹۰: ۲۱۱۱).

نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش این بود که با مطالعه جنسیتی زبان از طریق ضرب‌المثل‌ها، نگاه به زن ایرانی را دست کم پس از عبور از دروازه تاریخ مکتوب جست‌وجو و

کلیشه‌های جنسیتی را در مورد آنها بازنمایی کنیم و ببینیم آیا این نگاه منصفانه است یا نه و اگر نباشد، با توجه به تغییرات جامعه امروز به نفع زن، لزوم تغییر در رویکرد ضرب‌المثل‌های فارسی هم احساس می‌شود.

پیکره مورد بررسی در این پژوهش شامل ۳۸۲ ضرب‌المثل بود که با بررسی سه حوزه محوری و کلی درباره زنان، یعنی ویژگی‌های فیزیکی و روان‌شناختی زنان، مقوله‌های اخلاقی و عاطفی زنان و روابط اجتماعی و خانوادگی، چنین مشخص شد که ۶۷/۵٪ ضرب‌المثل‌ها مربوط به زن و طبیعت وی و ۳۲/۵ درصد آنها واژه‌های خویشاوندی را شامل می‌شود. از سوی دیگر نشان داده شد که ۳۹/۵ درصد از ضرب‌المثل‌ها به صفات زنان اختصاص دارد و مابقی آنها موارد دیگری مثل ازدواج، مسئولیت‌های زنان و روابط اجتماعی و خانوادگی آنها را در برمی‌گیرد. تصویری که تقریباً در همه این ضرب‌المثل‌ها مشهود بود، تأکید بر اصالت و تقدم مرد و تأخر و فرعی و طفیلی بودن زن بود؛ یعنی کفه ترازو بیشتر به سمت بیان نکات منفی و نقاط ضعف زنان سنگینی می‌کرد، که خود نشان‌دهنده باورها و قضاوت‌های نادرست تاریخ گذشته ما در مورد زنان است. در حالی که زن به عنوان مدیری دلسوز و پرتلاش که نقش محوری در خانواده و تربیت فرزند و مشاور در حل معضلات و مشکلات همسر دارد، آنچنان که باید، ویژگی‌های مثبتش در ضرب‌المثل‌ها نمود پیدا نکرده و این امر بیانگر نوعی کاستی در این نگرش است.

نتایج این مقاله با پژوهش شکورزاده که به بررسی اعضای خانواده پرداخته است، منطبق است؛ زیرا در میان واژه‌های خویشاوندی، بیشترین درصد به نقش همسر و سپس مادر اختصاص یافته است. اما طی بررسی نتایج پژوهش محمدزاده و همکاران که به بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کردی پرداخته‌اند، نشان داده شده که تقریباً مظاهر مثبت و منفی زنان در کنار یکدیگر و به یک اندازه محوریت داده شده، در صورتی که در این تحقیق بر این اساس که سعی کرده است آمارهای دقیقی ارائه شود، نشان داده شده که میزان صفات منفی، چهار برابر صفات مثبت زنان در ضرب‌المثل‌هاست.

همچنین در مقایسه با تحلیل ضرب‌المثل‌های زنانه در لامرد توسط موحد و همکاران، این دو پژوهش نتایج مشابهی داشتند و تبعیض و نابرابری جنسیتی در ادبیات شفاهی به

۱۱۸ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و چهارم، پاییز ۱۳۹۳ —————
دلیل وجود تقابل دوگانه در نگاه جنسیتی و نگاه ابزاری داشتن به زن کاملاً مشهود است.
بنابراین تغییر و بازنگری در مفاهیم و ایدئولوژی جامعه ایرانی احساس می‌شود.

پی‌نوشت

۱. والذین استجابوا بر بهم و اقاموا الصلوه و امرهم شوری بینهم (شورا / ۲۸).
۲. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (الاسراء / ۷۰). ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوار کردیم و از چیزهای خوش و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری‌شان نهادیم.

منابع

- قرآن کریم
- استوارت میل، جان (۱۳۹۰) انقیاد زنان، ترجمه علاء‌الدین طباطبایی، تهران، هرمس.
- اسدی، سیفالله (۱۳۹۰) گلچینی از ضرب‌المثل‌های جهان، چاپ ششم، تهران، اشجع.
- اعتضادی، شغفیدا (۱۳۸۸) «نظری بر نظام حقوقی و مدنی زن در ایران باستان»، مجله فرهنگ، شماره ۷۰، صص ۴۷-۶۸.
- برهانی، علی (۱۳۸۵) زن در ضرب‌المثل‌های ایران و جهان، مشهد، آرمان خرد.
- بهمینیار، احمد (۱۳۶۹) داستان‌نامه بهمینیری، به کوشش فریدون بهمینیار، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- پاسخ‌گویی به شبهات (۱۳۹۱)، سایت اینترنتی <http://www.x-shobhe.com/main.php?sid=2412>
- تنباکویی، مریم (۱۳۸۹) زن در ملل از روزنه ضرب‌المثل، کاشان، شاسوسا.
- حجازی، بنفشه (۱۳۸۵) چند کلمه از زبان مادر شوهر، تهران، فرزانه روز.
- خضایی، امین (۱۳۸۲)، فرهنگ‌نامه امثال و حکم ایرانی، شیراز، نوید.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۵) امثال و حکم، تهران، امیرکبیر.
- دیویدف، هنری (۱۳۹۱) فرهنگ ضرب‌المثل، ترجمه فرید جواهر کلام، چاپ سوم، تهران، فرهنگ معاصر.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۸) فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی، تهران، معین.
- (۱۳۹۱) «خانواده و روابط خانوادگی در ضرب‌المثل‌های فارسی»، فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شماره ۳۱، صص ۱۳۷-۱۵۵.
- زاهدی، کیوان (۱۳۹۰) «زن در ضرب‌المثل‌های انگلیسی با رویکرد تحلیل انتقادی نقد زبان و ادبیات خارجی»، فصلنامه نقد زبان و ادبیات خارجی - دانشگاه شهید بهشتی تهران، شماره ۷، صص ۸۱-۱۱۳.
- ستاری، جلال (۱۳۷۵) سیمای زن در فرهنگ ایران، تهران، مرکز.
- شاملو، ناهید (۱۳۸۷) «بررسی و مقایسه سیمای زن و مرد در امثال و حکم دهخدا»، پژوهشنامه فرهنگ و ادب، بهار و تابستان، شماره ۶، صص ۲۲۰-۲۳۲.
- شکورزاده، ابراهیم (۱۳۷۲) ده هزار مثل فارسی، مشهد، نشر آستان قدس رضوی.
- (۱۳۸۹) دوازده هزار ضرب‌المثل فارسی، چاپ چهارم، آستان قدس مشهد، به نشر.
- شهری، جعفر (۱۳۷۰) قند و نمک، ضرب‌المثل‌های تهران، تهران، تابش.
- (۱۳۷۸) قند و نمک، تهران، معین.
- صادقی، فاطمه (۱۳۹۲) جنسیت در آرای اخلاقی از قرن سوم پیش از میلاد تا چهارم هجری، تهران،

کلهر، سمیرا (۱۳۸۰) «زن در ضرب‌المثل‌ها» برگرفته از سایت:

<http://www.academia.edu/5642810>

کیخایی، یحیی و هدی سیاوش (۱۳۹۲) «سیمای زن در ضرب‌المثل‌های فارسی»، دومین همایش

ملی آموزش زبان فارسی و زبان‌شناسی، شیراز، مقاله ۸۹.

محمدپور، احمد و دیگران (۱۳۹۱) «مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کردی»، زن در

فرهنگ و هنر، دوره ۴، شماره ۳، صص ۶۵-۷۳.

مرادی، شیوا (۱۳۹۱) «هویت زن»، برگرفته از سایت: <http://eloquent.persianblog.ir>

مراقبی، غلامحسین (۱۳۹۰) فرهنگ جامع امثال و حکم، تهران، دانشگاه تهران.

موحد، مجید و دیگران (۱۳۹۱) «تحلیل جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد

استان فارس»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۰۱-۱۲۰.

موسوی، منوچهر (۱۳۸۷) فرهنگ منظوم و منثور ضرب‌المثل‌های فارسی، چاپ دوم، تهران، جهان

رایانه.

نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۸۳) مردم‌شناسی جنسیت، تهران، افکار.

وارنر، رکس (۱۳۸۶) دانش‌نامه اساطیر جهان، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران، اسطوره.

Brembeck, Winston (1977) *The Development and Teaching of a College Course in Intercultural Communication*, Pittsburgh, Sietar.

Ivy .D.k. & Blcklund, p (1994) *Exploring Gender Speak: Personal Effectiveness in Gender Communication*. New York, McGraw hill.

Kerschen, Lois (2012) *American Proverb About Women, USA*, Publisher: Book Locker.

King, Ruth Elizabeth (1991) *Talking Gender: A Guide to no Sexist Communication*. Toronto .Copp Clark .Pitman ltd.

Shifeng, Wang (2012) *On Sex Discrimination in English Proverbs and Their Translation*. Lecture Notes in Information Technology, p.16-17.